

## معرفی کتاب

زبان شعر در زمان اعتراض: سروده های گلایه آمیز  
شاعران

تألیف دکتر هادی بهار و علی سجّادی



**زبان شعر در زمان اعتراض، سروده های گلایه آمیز شاعران،** تألیف دکتر هادی بهار، پزشک ادیب و فرهنگ پرور است که با یاری آقای علی سجّادی، محقق تاریخ و روزنامه نگار منتشر شده است. دکتر اردشیر لطفعلیان در نقد این کتاب در مجله "بررسی کتاب" به سردبیری مجید روشنگر می نویسد:

این کتاب منتخبی از سروده های اعتراض آمیز شانزده شاعر هم میهن ما طی یک قرن گذشته در اعتراض به اوضاع احوال زمانه خود، انتقاد از وضع حاکم بر جامعه و رفتار

حکومتگران به طنز یا به جد، دفاع از آزادی و محکوم ساختن خودکامگی و خفقان فکری است. این شاعران که جز معدودی از آنان در یکصد ساله اخیر سرآمد سرایندگان ایران بوده اند از این قرارند: ایرج میرزا، ملک الشعرای بهار، سیمین بهبانی، مهدی اخوان ثالث، نادر نادر پور، احمد شاملو، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد، پرویز ناتل خانلری، علی اکبر سعیدی سیرجانی، اشرف الدین حسینی (نسیم شمال)، هادی خرسندی، کارو دردریان، محمد رضا عالی پیام (هالو)، علی مؤید ثابتی، هیلا صدیقی و بسیج خلخالی (محمد قلی نوروزی) [...] آنچه که دوباره خوانی این سروده ها را شایان توجه می کند تحلیل و تفسیری است که مؤلفان کتاب از آنها کرده و در واقع دری برای راه یافتن به نکته های و پیام های نهفته در این اشعار بر روی خواننده گشوده اند.

دکتر هادی بهار پزشک از دانشگاه ژنو و متخصص در پزشکی داخلی، طب هسته ای و طب ویژه مسافران بین المللی در ایالات متحده (منطقه واشنگتن بزرگ) بوده و اینک در دوران بازنشستگی پربار خود به نوشتن کتاب هایی در زمینه ادبیات فارسی و ستون "ادب جوان" فصلنامه آرمان همت گماشته است.

علی سجادی سردبیر، تاریخ شناس و محقق ساکن منطقه واشنگتن بزرگ، نویسنده کتابهای "آتش سوزی سینما رکس - آغاز وحشت بزرگ چهل ساله" ۲۰۱۸، "غروب صادق، همراه با یادداشتهای صادق قطب زاده در سفر عراق" ۲۰۱۷، "اوراق کتاب کبود، گزارشی از بیست کتاب در باب ایران معاصر" ۲۰۱۶ و "تاریخچه ملی شدن صنایع نفت بر اساس مذاکرات مجلس شورای اسلامی" ۲۰۲۰ است. علی سجادی که پیشتر سردبیر صدای آمریکای فارسی بود، به تازگی در سمتی کلیدی در صدای آمریکا دوباره مشغول خدمت شده است. از علی سجادی مقاله های پرباری در شماره های پیشین فصلنامه آرمان منتشر شده است.

## نوای افلاک

مقدمه ای بر موسیقی نیایشی یهودیان ایرانی،

شکل گرفته بر پایه موسیقی اصیل ایرانی

انتشار: ۲۰۱۷ - نیویورک

بنیاد فرهنگی ایما



پروانه صراف، مدرس و محقق الهیات و زبان عبری ساکن نیویورک، در کتابی به نام *نوای افلاک*، مقدمه ای بر موسیقی نیایشی یهودیان ایرانی، به موسیقی نیایشی یهودیان ایران پرداخته است. این موسیقی نیایشی که برگرفته از گوشه ها و دستگاه های موسیقی اصیل ایرانی است و طی قرن ها در جوامع یهودی شهرهای ایران شکل گرفته، با مهاجرت انبوه یهودیان ایرانی از ایران نیاز به گردآوری و ثبت داشت. این تحقیق خطیر را پروانه صراف که در کنار دیگر تخصص های خود به دستگاه های موسیقی ایرانی و آواز و تحریر ایرانی آشنایی دارد، انجام داده و در کتاب *نوای افلاک* با کمک دو موسیقیدان، استادان، شهرام فسا زاده و پیمان اخلاقی به ثبت و ضبط و نت نویسی چندین ملودی نیز پرداخته است.



### اجرای قطعات نیایشی و تحریرهای یهودیان ایرانی توسط پروانه صراف و استاد شهرام فسزاده

او نشان می دهد که نوشتارهای عبری طومارهای تورات دارای علامت های خواننده شدن آوازی و آهنگین هستند. پروانه صراف در مورد این کتاب می نویسد:

در این کتاب هم به موسیقی نیایشی و علامت های قرائت آهنگین و موسیقایی در نوشتار تورات پرداختم و هم به ملودی های آوازی و تحریری یهودیان ایرانی هنگام خواندن آهنگین تورا که برگرفته از گوشه ها و دستگاه های موسیقی ایرانی است.

از دیرباز، اجرای نغمه های دلپذیر عبادت هنگام خواندن تورات از رسوم یهودیان دنیا و از جمله یهودیان ایران بوده است. امروز نیز سرائیدن کتب مقدس در کنیساها با سیستم موسیقی پیچیده ای اجرا میشود و در همه جوامع یهودیان دنیا مرسوم است.

گرچه این نغمه ها به طور گسترده ای از منطقه به منطقه متفاوت است، ولی در اصل، دارای اصول پایه ای مشترکی است. در همان حال، تفاوت های قابل توجهی در الگوهای لحن و آهنگ مرتبط که با علاماتی در بالای حروف تورات قرار دارند، وجود دارد. در یک جامعه واحد، مجموعه ای از الگوهای آهنگها که در عرض سال استفاده میشوند، تغییرپذیرند؛ بر اساس مناسبت و همچنین بر طبق متنی که خوانده می شود.



اجرای قطعات نیایشی و تحریرهای یهودیان ایرانی توسط پروانه صراف و استاد شهرام فساژاده

آهنگ ها و نواهای خاصی برای سرآیدن تورات و هفطارا که بخشی از کتب انبیاء و کاتبان است، از زمان عزرای نبی که در قرن ششم قبل از میلاد در ایران می زیست و از سوی پادشاه هخامنشی همراه یهودیان آزاد شده از بابل به اورشلیم اعزام شد، شکل گرفت. نگارنده امیدوارم این نوشته که به دشواری آن را مقدمه ای بر موسیقی نیایشی یهودیان ایرانی عنوان داده ام، آغازی باشد برای تحقیقات مفصل تر و کامل تر در این زمینه. هدف این بوده که پژوهشگران موسیقی به ثبت و ضبط گنجینه های موجود موسیقی نیایشی یهودیان ایران همت گمارند. ضروری است که سمینارهای آموزشی و پژوهشی تشکیل و به ثبت و ضبط موسیقی نیایشی یهودیان ایران همت گمارده شوند. باشد که این نواهای نیایشی برگرفته از موسیقی اصیل ایرانی که از دیرباز در سپهر فرهنگ یهودیان ایرانی طنین انداز بوده، حفظ شده، به نسل های بعد سپرده شود.

تماس با نویسنده برای تهیه کتاب: [parvanehsarraf@yahoo.com](mailto:parvanehsarraf@yahoo.com)



**معرفی یک کار تجویبی:** لیلا ناظرزاده، تجربه گر جوان در زمینه شعر، به تازگی مجموعه ای از شعرهای کوتاه خود را با عنوان *ابر آخر بهار* در تهران منتشر کرده است. نمونه ای از شعرهای این مجموعه:

۱

گل های اطلسی  
صدای نازک تر می کنم  
دمی پشت خط

۲

دسته ای پروانه  
این همه خال سرخ  
بر بال سفید

۳

چندمین بار است  
با لباس به دریا می زنم  
غنچه نیلوفر آبی

۴

چنان که  
سال های رفته



---

---

شعر

## تازه های شعر

معمای وارستن: عسکر حکیم، شاعر معاصر تاجیک

باد می شورد / برف می پیچد /

در زمین می خوابد انواع درخت جنگل و بیشه / یا نگون می گردد از ریشه /

در زبان بوته ها لاجول جان است / سخت بوران است.

لیک می دانید آیا / ای وحوش دشت و جنگل ها

بیم بوران بیشتر نبود ز خوف روز آرامی / بس که در ایام بوران ها که هر دم بیم جان دارد

هیچ صیادی نمی گردد پی صیدی / بلکه می لرزد سر جانش که گویا نیم جان دارد

ابر می گرید / رعد می غرد /

بر سر سبز درختان سنگباران می زند یکسر / لانه های مرغان از شاخساران می کند یکسر.

در زمین ها آب ها کولند [ تالاب ] / جوجه ها در لای می جوئند [ نولیدن ].

جانان، ای مرغان، ایمن ولی از دام بیداد است / گرچه هر دم یادتان در یاد صیاد است

اولی در روز باران باز دامن تر نخواهد کرد / گرچه باری رحم مشت پر نخواهد کرد.

موج بر خیزد / بحر بستیزد - پشت دریا می شود هر لحظه گویا پشته و خندق

کاندر این خیزاب ها، پستاب ها، / در نظر ناید در این ساعت نه ماهیگیر و نه زورق.

پس شما، ای سیل ماهی های دریا بار / در سر خیزاب ها جولان ز نید آزاد دیگر بار

نیست ماهیگیر سیر از جان / کاو رود در بحر پر توفان. باد می شورد / ابر می گرید / رعد

می غرد / می توان وارست از بوران / می توان وارست از باران / می توان وارست از توفان

گر ز انسان می توان وارست / می رهد آیا ز خود انسان؟!



## تازه های شعر

دو شعر از فریبا صفری نژاد: غربت - تقدیم به شیخ اجل



گیرم که چند شاخه ام از سر دیوار خزید به باغ همسایه  
و سایه بر ساکنانش افکند؛

ریشه ام از کجا آب می خورد؟!

کودک سرزمینم بر کدامین ساقه تاب می خورد؟

من درختم

چتر بزرگی که باران را با تمام وجودش درک می کند

و هراسِ هراسِ شاخه ای

که در حسرت ریشه

خانه اش را

برای همیشه ترک می کند!

یکم فروردین ۱۴۰۰

فریبا صفری نژاد

تقدیم به شیخ اجل

در من نفسی زنده کن آن روح روان را  
 تا مرده شمارم تفحاتِ دگران را!  
 جان و تن و چشم و دل من در دل این دشت  
 یک گله نیاز است که گم کرده شبان را  
 یک دم بکنن پرده از آن روی زمینی  
 تا هیچ بینم همه ی کون و مکان را  
 در هیبت شیراز و جهانی که در او هست  
 حق دارم اگر خوار کنم نصف جهان را!  
 من با توام از قرن کنون تا سده ی هفت  
 این قدرت عشق است که پیموده زمان را!  
 \* در صورت و معنی که تو داری چه توان گفت  
 حسن تو ز تحسین تو بسته ست زبان را  
 زخمی که من از عشق تو دارم ازلی بود  
 زخمی که برد تا به ابد تاب و توان را  
 ورجای جراحی به دوا باز هم آید\*  
 از جای جراحی نتوان برد نشان را!  
 \* پ ن : بیت از سعدی

فریبا صفری نژاد



تازه های شعر

غول آفتاب

برای اسماعیل جان خوئی

نادر مجد

تو، آن غول آفتابی بیرون زده از "بیدرکجای" ابر.  
 چشمه ی زلالی، رها شده در رگ تخیل خاک.  
 فریاد رعدی، شکسته در گلوی ترک خورده ی تگرگ.  
 رگبار تندری، نشسته در زمزمه ی جویبار سحر.  
 سخاوت ژاله ای، بیخته فرو بر سرت کلاهدک شعر.  
 چراغ لاله ای، آویخته به گلزار جاودانه ی شعر.  
 درآ، درآ خیمه بزن با چراغ واژه، به دفتر خاموشانه ی شب.  
 خنده بزن، بر گل بوته ی کلام.  
 بوسه بزن، بر گونه ی سرخ فام سخن.  
 بسرای، بسرای سرود شوق در قلمرو بیکرانه ی عشق.  
 بوز، بوز، نسیم مهر، در سراچه ی صحبت دوست.

نادر مجد،

اشبزن، ویرجینیا آوریل ۲۰۰۴

## جاودانه های شعر

### ملک الشعراء ای بهار

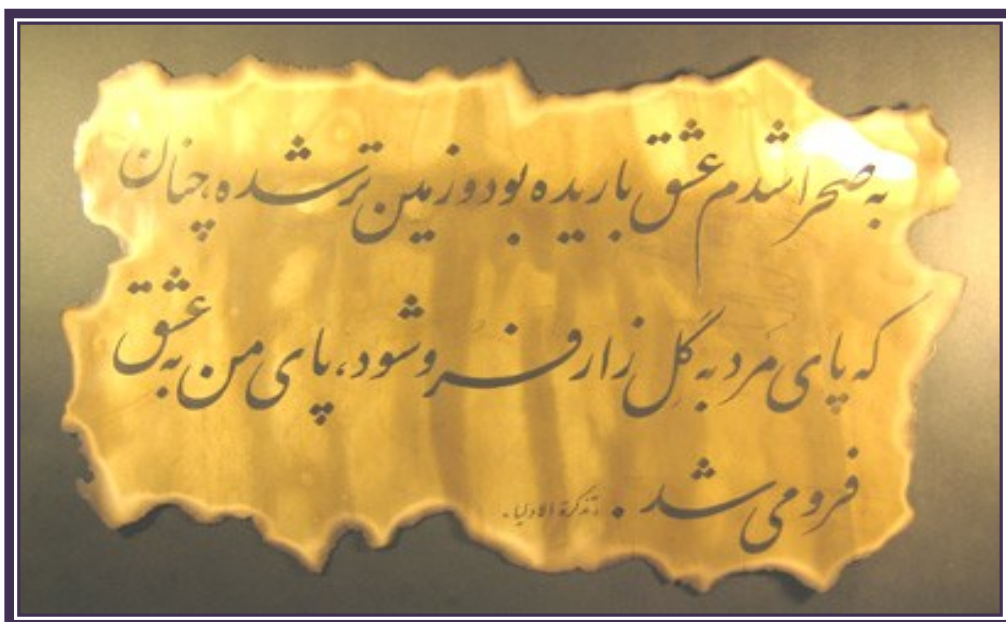
#### قطعات

دیدم به بصره دختر کی اعجمی نسب  
 روشن نموده شهر به نور جمال خویش  
 می خواند درس قرآن در پیش شیخ شهر  
 وز شیخ دل ربوده به غنچ و دلال خویش  
 می داد شیخ، درس ضلال مبین بدو  
 و آهنگ ضاد رفته به اوج کمال خویش  
 دختر نداشت طاقت گفتار حرف ضاد  
 با آن دهان کوچک غنچه مثال خویش  
 می داد شیخ را به «دلال مبین» جواب  
 وان شیخ می نمود مکرر مقال خویش  
 گفتم به شیخ راه ضلال این قدر میوی  
 کاین شوخ منصرف نشود از خیال خویش  
 بهتر همان بود که بمانید هر دوان  
 او در دلال خویش و تواندر ضلال خویش

## جاودانه های شعر

### اسماعیل خوئی

دلخواهی آنقدر که غمت شادی آورد  
 شیرینی لبان تو فرهادی آورد  
 جز عشق دلنشین تو کارام جان ماست  
 دامی ندیده ایم که آزادی آورد  
 دل را خراب کرد و به گنج هنر رسید  
 عشق خرابکار تو آبادی آورد  
 مقبول باد عذر کمندافکنان عشق  
 چشم غزال رغبت صیادی آورد  
 گر عشق ورز و مست نمی خواهدم خدای  
 باری چرا جمال پرینزادی آورد  
 ای جان سرابنوش نگاهت بگو دلم  
 رو به کدام سوی در این وادی آورد  
 کوه غمت به تیشه جان می کند دلم  
 شیرینی لبان تو فرهادی آورد.



پایان آرمان ۱۷

Arman Cultural Foundation

Los Angeles Based 501c(3) Organization

ID: 81- 1440726

Persian Journal of  
Literature, Arts, History, and Philosophy

Founder: Dr. Samuel Dayan  
Responsible Editor: Dr. Mehdi Sayahzadeh  
Editor-in-Chief: Shirin D. Daghighian

To subscribe for hard copy, call at:  
747-254-5001

Contact the Editor-in-Chief: [shirindokht1@gmail.com](mailto:shirindokht1@gmail.com)